

ارتباط نومادیسم و تکوین مرزهای سیاسی در ایران

(مطالعه موردي: ایلات و عشاير ترکمن)

سلمان انصاری زاده: دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران^۱

برزین ضرغامی: دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

طهمورت حیدری موسلو: کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

کشور ایران بنا به موقعیت جغرافیایی خاص خود بهویژه از سمت شمال و شمال شرقی محل ورود اقوام کوچ نشین بوده و اغلب حکومتهایی که در ایران تشکیل شده وابسته به ایلات می باشد. از این رو ایلات نقش فوق العاده مهمی در ثبات و عدم ثبات حکومتهای مرکزی به عهده داشته اند. کوچ نشینان که اساس زندگی آنها مبتنی بر کوچ و کوچندگی است، گاه از چارچوب مرزهای کشور فراتر می رفته اند و دو یا چند همسایه را درگیر منازعه می کردند. هدف پژوهش حاضر مطالعه نقش ایلات و عشاير ترکمن بر تکوین مرزهای سیاسی در شمال شرقی ایران است. روش مورد استفاده توصیفی - تحلیلی و استفاده از منابع اسنادی و تاریخی است. نتایج تحقیق نشان می دهد، در گذشته حکومت پهلوی بخش بزرگی از جمعیت کشور را عشاير تشکیل می داده و همچنین جابجایی عشاير به صورت قشلاق و بیلاق سبب شده که کنترل دولت مرکزی بر عشاير به خصوص در دوره افول قدرت بی ثبات باشد. در حقیقت تا قبل از تثبیت مرزهای شمال شرقی کشور ایران جابجایی ایلات و عشاير ترکمن در دو سوی مرزهای ایران و کشور سوری سابق در قالب بیلاق و از سوی قشلاق عشاير کشور سوری سابق در داخل مرزهای ایران و عواملی چون عدم پرداخت مالیات توسط کوچ نشینان هر دو کشور موجب کوچ به کشور همسایه می شده است و این عوامل باعث تأخیر در روند تکوین مرزهای سیاسی در این بخش از ایران شده است.

کلید واژگان: عشاير، کوچ ، ایل ، مرز ، حکومت

مقدمه

تا اواخر قرن بیستم بخش‌هایی از جمعیت ایران بر اساس طبیعت آن ساختاری ایلی داشت. در واقع مرزهای ایران و همسایگانش محل سکونت گروههای ایلی از جمله آذری، کرد، لر، بختیاری و عرب در غرب، آذری، کرد و ترکمن در شمال‌غربی و شمال‌شرقی و بلوج در جنوب‌شرقی بود (احمدی، ۱۳۸۹: ص ۵۴). کوچنشینان اغلب برای کسب قدرت، باعث نامنی و هرج و مرج شده‌اند (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۸۳: ص ۱۶۲) و بخش قابل ملاحظه‌ای از جمعیت کشور را تا دوران معاصر تشکیل می‌دادند (علی‌زاده، ۱۳۸۵: ص ۱۰۷).

جدول (۱) جمعیت ایلات و عشایر ایران در اواخر قرن نوزدهم

اسامی اشخاص برآورده شده	سال برآورد	جمعیت ایران (کل)	جمعیت ایلات و عشایر	درصد جمعیت عشایری
هونوم شیندلر	۱۸۸۴	۷/۶۵۴/۰۰۰	۱/۹۱۰/۰۰۰	۲۵
زولونوراف	۱۸۸۸	۶/۰۰۰/۰۰۰	۳/۰۰۰/۰۰۰	۵۰
جرج. ن. کرزن	۱۸۹۱	۸/۰۵۶/۰۰۰	۲/۰۱۴/۰۰۰	۲۵
هونوم شیندلر	۱۸۹۷	۹/۰۰۰/۰۰۰	۱/۹۱۰/۰۰۰	۲۱/۲
لورینی	۱۸۹۹	۹/۳۳۲/۰۰۰	۲/۱۳۸/۰۰۰	۲۲/۹
مدداف	۱۹۰۹	۱۰/۰۰۰/۰۰۰	۲/۵۰۰/۰۰۰	۲۵

(اکبری و میزان، ۱۳۸۳: ص ۱۴۳)

این قبایل نقش مهمی در چگونگی شکل‌دهی به مرزهای ایران و همسایگانش به خصوص در نواحی شمال‌شرقی داشته‌اند. در واقع وجود نیروهای قدرتمند مرکزگریز در مناطق مختلف ایران، مهم‌ترین مانع بر سر راه تمرکزگرایی دولت و انحصارگرایی قدرت سیاسی بود. به دلیل غلبه ساخت ایلی و عشیرهای بر جامعه ایران، سلسله مراتب اجتماعی بر اساس طبقه، حقوق و شأن و غیره تعیین نمی‌شد، زیرا در این ساختار ایلات و عشایر بالقوه قدرتی برابر با یکدیگر به شمار می‌رفتند و حتی شاه هنگام گسترش طلبی یا هجوم خارجی از نیروی نظامی آنها برای دفاع از امپراتوری استفاده می‌کرد. از همین رو قدرت گرفتن یک قبیله از نظر نظامی و یا اتحاد قبایل با یکدیگر بالقوه می‌توانست ساخت سیاسی در کشور را متحول کرده و موجب تغییر سلسله پادشاهی شود (افضلی، ۱۳۸۶: ص ۱۱۹). به‌طوریکه طایفه‌ها و جماعت‌های عشایری ایران از

دیرباز تا آغاز قرن بیستم یا حکومت را در دست داشته‌اند، همچون سلسله‌های افشار، زند و قاجار، یا شریک و حامی حکومت بوده‌اند، همچون هفت ایل یا طایفه‌های استاجلو، شاملو، تکلو، بهارلو در زمان حکومت افشار، قاجار و صفویه یا مدّعی و رقیب حکومت بوده‌اند، همچون قاجارها در زمان فتحعلی‌شاه و یا به انگیزه مقاومت در برایر ظلم و زورگویی و باج خواهی حکومت‌ها در حالت جنگ و ستیز با آن قرار داشته‌اند مانند بختیاری‌ها و قشقایی‌ها (کیاوند، ۱۳۶۸: ص ۳۷). این روند باعث می‌شد که سرحدات و نواحی پیرامونی ایران که در آن ایلات و عشایر ساکن بودند نسبت به ضعف و قدرت دولت مرکزی نقش‌های مختلفی را در طول تاریخ ایفا کنند. این مقاله در پی آن است که نقش نومادیسم را در تکوین مرزهای سیاسی ایران در شمال شرقی کشور با تأکید بر ایلات و عشایر ترکمن مورد مطالعه قرار دهد. لذا برای نیل به این مقصود مهمترین شاخصه‌هایی که برای سنجش تأثیرات نومادیسم بر تکوین مرزهای سیاسی در شمال شرقی کشور می‌توان در نظر گرفت عبارتند از:

- الف) بیلاق و قشلاق عشایر در سرحدات سیاسی کشور و قدرت نظامی آنها در برابر حکومت مرکزی.
- ب) زمینه‌سازی برای حضور و دخالت کشورهای بیگانه در مناسبات میان عشایر و حکومت مرکزی و دوری قبایل از مرکز حکومت.

ادبیات موضوع

پیش از این انسان‌ها با مفهوم سرحد آشنا بودند که معمولاً در ماورای قلمرو یک‌پارچه یک واحد سیاسی قرار داشتند و لزوماً تفکیک‌کننده دولتها نبودند (مینایی، ۱۳۸۶: ص ۱۲۶ و Glassner, 1993: p73). به رسمیت شاختن حاکمیت کشورها پس از معاهده وستفالی (میرحیدر، ۱۳۸۹: ص ۳۸ و تشكیل دولت‌های سرزمینی از نیمه دوم قرن هجدهم سبب شد که معنی خطوط مرزی به معنای امروزی در نیمه دوم قرن نوزدهم به وجود آید (حافظنی، ۱۳۸۸: ص ۲۹۹). در حقیقت مرزا خوطوطی هستند که حدود بیرونی قلمرو سرزمین تحت حاکمیت یک دولت ملی را مشخص می‌کند (حافظ نی، ۱۳۸۵: ص ۶۹ و p54 Dikshit, 1995) و مطابق قواعد خاص در مقابل حرکت انسان، انتقال کالا یا نشر افکار مانع ایجاد می‌کند (زرقانی، ۱۳۸۶: ص ۱۱۶). نخستین خطوط مرزی جدید در استرالیا، اروپا، آمریکای شمالی، آفریقای جنوبی و میان ایران و هندوستان بریتانیا ایجاد شد (اسکندری، ۱۳۸۸، ص ۷۶). در زمینه شکل‌گیری مرزهای ایران کتاب و مقالات زیادی منتشر شده است اما با توجه به نقش و جایگاه ایلات و عشایر در تاریخ سیاسی

ایران، باید اذعان کرد که این جامعه سوم آن طوریکه باید شناخته نشده است (شهربازی، ۱۳۶۹: ص ۱۳).

در زمینه این موضوع خاص یعنی نقش ایلات و عشاير بر شکل‌گیری مرزهای سیاسی کشور تاکنون مطالعه جدی صورت نگرفته است و آنچه انجام شده هم به صورت پراکنده به رابطه ایلات و عشاير با حکومت مرکزی پرداخته شده است. که در این زمینه می‌توان به پژوهش‌هایی تحت عنوان چادرنشینی در کوهستان‌ها و فلات‌های آسیای جنوبی اثر فردیک بارت ۱ که به تحلیل ایلات در ایران و پاکستان و افغانستان پرداخته، کتاب شناخت کلی ایلات و عشاير ایران نوشته پرویز ورجاوند، کوچ‌نشینی در ایران اثر سکندر امان‌اللهی بهاروند، مبانی جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی ایلات و عشاير نوشته حشمت‌الله طبیبی، جامعه‌شناسی عشاير ایران نوشته علی‌اکبر نیک‌خلق و عسکری نوری، حکومت، سیاست و عشاير نوشته عزیز کیاوند و اشاره کرد. از این رو پژوهش حاضر مقدمه‌ای است جهت شناخت تاثیر ایلات و عشاير ترکمن در چگونگی شکل‌گیری مرزهای سیاسی شمال‌شرقی کشور.

روش تحقیق

روش گردآوری اطلاعات در این مقاله روش توصیفی - تحلیلی است و با بهره‌گیری از منابع معتبر فارسی و لاتین به تحلیل تاثیر زندگی کوچ‌نشینی قبایل بلوج بر روند شکل‌گیری مرزهای شرقی کشور از دوران حکومت قاجار به بعد(۱۲۰۹ مق) که جغرافیای سیاسی کشور دچار تغییرات اساسی شد و مرزهای شرقی ثبت گردید، پرداخته است. سوال تحقیق حاضر عبارتند از: ایلات و طوایف بلوج چه نقشی در شکل‌گیری مرزهای شرقی کشور داشته‌اند؟ فرضیه تدوین شده بیان می‌کند: به نظر می‌رسد بهدلیل فاصله جغرافیایی عشاير ترکمن از مرکز حکومت و مخالفت با دولت مرکزی در دوره‌های مختلف تاریخی بهخصوص در دوره قاجار تکوین مرزهای شمال‌شرقی کشور را به تاخیر انداخته است.

1.Frdrik Barth

یافته‌های تحقیق

تحولات ژئوپلیتیکی مرزهای شمال شرقی ایران

تحولات ژئوپلیتیکی شمال شرق ایران ناشی از توسعه امپراتوری تزار به سوی جنوب است. با تلاش‌های پطرکبیر در سال ۱۷۲۵ روسیه دارای یک ارتشم منظم ۱۳۰,۰۰۰ نفری با اسلوب اروپائی شده بود. اصول سیاست خارجی پتر کبیر را در وصیت‌نامه منتبه به او می‌توان درک نمود. از جمله «رسیدن به آب‌های گرم خلیج فارس» که در بسیاری از نوشته‌ها از آرزوهای پتر کبیر قلمداد شده است. تحولات ژئوپلیتیکی در عرصه رقابت قدرت‌ها در قرن هجدهم کل سرزمین ایران را تحت تاثیر قرار داد و ایران میدان رقابت و اخذ امتیازات و نفوذ و تحت تاثیر قرار دادن رقیب از طریق ایران گردید. دسترسی به هندوستان در جریان رقابت میان سه قدرت روسیه، فرانسه و بریتانیا قرار گرفت و یگانه راه مطمئن و قابل دسترسی، کشور ایران بود (فوران، ۱۳۸۵: ص ۱۷۲). بدین ترتیب گسترش روسیه به سوی جنوب در پی سلطه استعماری و رقابت‌های ژئوپلیتیکی منجر به ترسیم مرزهای شرقی ایران گردید. کوشش‌های دولت روسیه برای نفوذ در آسیای میانه پس از انعقاد معاهده ترکمنچای (۱۸۲۸ / ۱۲۴۳) سرعت بیشتری گرفت. دولت روسیه که تعهد کرده بود ایران را در تتبیه اشرار ترکمن یاری دهد، بدون درخواست دولت ایران، ارتشم خود را به خیوه فرستاد و به رغم اعتراض دولت محمدشاه قاجار، که نگران پیشروی بیشتر روسیه در قلمرو ایران بود، از تخلیه خیوه خودداری کرد (اسنادی از روابط ایران با مناطقی از آسیای مرکزی، ص ۱۲۹-۱۳۰). دولت روسیه، تا جنگ معروف گوکتپه (۱۸۸۱/۱۲۹۹) و شکست نهایی قبایل تکه، بی‌وقفه به تصرف مناطق ترکمن‌نشین ادامه داد و پیروزی‌های خود را، با انعقاد قرارداد مرزی آخال ۱ در همان سال، به صورت قطعی و قانونی در آورد (سارلی، ۱۳۸۴، ج ۱: ص ۳۰۵-۳۱۵ و اسنادی از روابط ایران با مناطقی از آسیای مرکزی، ص ۱۳۲-۱۳۹). این اقدامات روند تدریجی پیدایی دولت واحد ترکمن، و در رأس آن تلاش‌های ترکمن‌های تکه، را متوقف ساخت. انعقاد این پیمان در شرایطی صورت گرفت که نیروهای روس که تا سال ۱۸۶۳ اطراف آرال، سمرقند و تاشکند را تصرف کرده بودند. در سال ۱۸۶۸ خان بخارا را نیز شکست دادند و حاکمیت خود را بر بخارا و سمرقند نیز تثبیت کردند و در

^۱ پیمان آخال یا پیمان آخال- تکه، معاهده‌ای میان امپراتوری روسیه و ایران قاجار است که در ۲۱ سپتامبر ۱۸۸۱ (۱۲۹۹ه.ق/۱۲۶۰ه.ش) برای تعیین مرزهای دو کشور در مناطق ترکمن‌نشین شرق دریای خزر بسته شد.

سال‌های ۱۸۷۳ تا ۱۸۸۱ علاوه بر اشغال خوارزم، ایلات ترکمن را نیز شکست داده بودند و سرزمین‌ترکمن‌های تکه را با نام «سرزمین‌ماورای خزر» به خاک خود ملزم کردند. با این پیمان ناصرالدین‌شاه حکومت روسیه را بر این مناطق به رسمیت شناخت و ایران و روسیه برای اولین بار در ناحیه شرق دریای خزر با یکدیگر همسایه شدند.

پیمان آخال تأثیر دوگانه‌ای بر ایران داشت. از یک سو ایران تا حدی از یورش‌های ترکمن‌ها رهایی می‌یافت اما این امر به بهای گران از دست رفتن سرزمین‌هایی به دست آمد که ناصرالدین‌شاه ادعای سلطنت بر آن‌ها داشت (میرحیدر، ۱۳۵۶: ص ۱۸۵). این پیمان همچنین به ضرر ایلات و عشایر ترکمن‌ها بود و با مصالح سنتی قوم ترکمن هم‌خوانی نداشت. میان آنان مرز کشی شده و در دو کشور جداگانه قرار می‌گرفتند و اتحاد آنان بهم می‌خورد. یموت‌های ایران که بر اساس موافقتنامه دو دولت هر سال برای چراندن گله‌های خود به آن سوی مرز کوچ می‌کردند باید به هر دو دولت مالیات می‌دادند و این موضوع مقامات روسی و ایرانی را در جمع‌آوری مالیات دچار مشکل کرده بود.

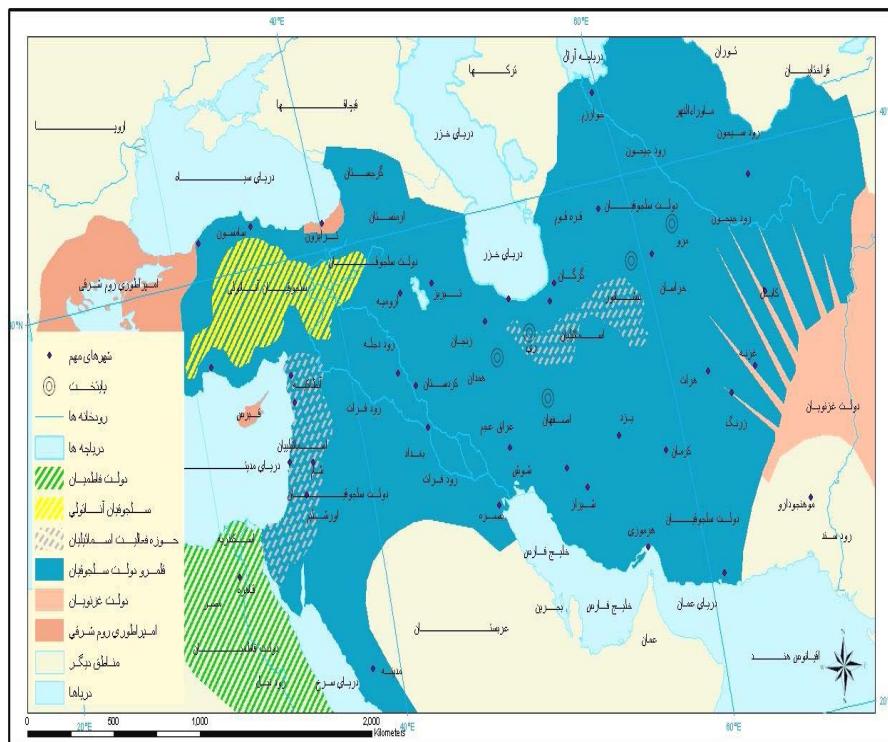


شکل (۱) نقشه سرزمین‌های جدا شده از ایران طبق قرارداد آخال (آخال-تکه)
(موسسه جغرافیای دانشگاه تهران، ۱۳۵۰: ۲۸)

بیلاق و قشلاق عشاير ترکمن و قدرت نظامی آنها در برابر حکومت مرکزی
 گروههایی که هم‌اکنون ترکمن نامیده می‌شوند قبلًا «غُز^۱»، «غُوز^۲» و یا «اغوز^۳» نامیده می‌شدند، که از نام جد مشترک آنها یعنی «أوغوزخان^۴» گرفته شده بود. ترکمن‌ها گروهی زردپوست بوده‌اند که به احتمال فراوان در مغولستان سکونت داشته‌اند و سپس کم و بیش به طرف غرب منطقه و ترکمنستان آمده‌اند و در قرن ششم میلادی در نزدیکی رودخانه «سیردريا» (سیحون) ساکن شدند (سارلی، ۱۳۸۴: ص ۸) و سپس در قرن دهم میلادی به نزدیکی «آمودریا» (جیحون) و منطقه مرو آمده‌اند. ترکمن‌ها به تدریج نواحی بین جیحون و رود اترک را در قرن هفتم و هشتم هجری، بعد از هجوم مغولان و فشاری که از سوی آنان وارد شده به اشغال خویش درآورده‌اند. الگوی سکونتی عشايري طوایف ترکمن در گذشته تنها با شرایط اقتصادي پیوند نداشته بلکه زندگی عشايري آن‌ها رابطه مستقیمي با شرایط سیاسي داشته است (ایری، ۱۳۸۴: ص ۱۰۶ و ۱۴۹؛ Beck, 1990). مهاجرت ترکمن‌ها به سمت رود اترک و دشت گرگان در قرن نهم هجری آغاز گردید. در آن ایام گوگلان^۵ ها، یرلى^۶ هاو آل^۷ به جلگه‌های اطراف کپه داغ کشیده شدند و اندکی بعد ترکمن‌های ساریق ارساری و سالور به جلگه‌های اطراف قوچان و بجنورد روی آوردند. به تدریج برخی دیگر از طوایف ترکمن نیز در دشت‌ها و نواحی سرحدی شمال شرق ایران سکونت گزیدند و دههای دولت کوچک و بزرگ به وجود آورده‌اند که اولین آن‌ها سلاجقه بزرگ و آخرین آن‌ها امپراتوری عثمانی بود.

قلمرو ترکمن‌هایی که در آسیای میانه زندگی می‌کنند، به‌طور تقریبی، از شمال به دریاچه آرال و فلات اوست^۸ یورت^۹، از جنوب به رودخانه گرگان و کوههای شمال خراسان و مرزهای شمالی افغانستان، از مشرق به آمودریا و از مغرب به دریای مازندران منتهی می‌شود (ذبیحی، ۱۳۶۳: صص ۱۴۴-۱۴۷).

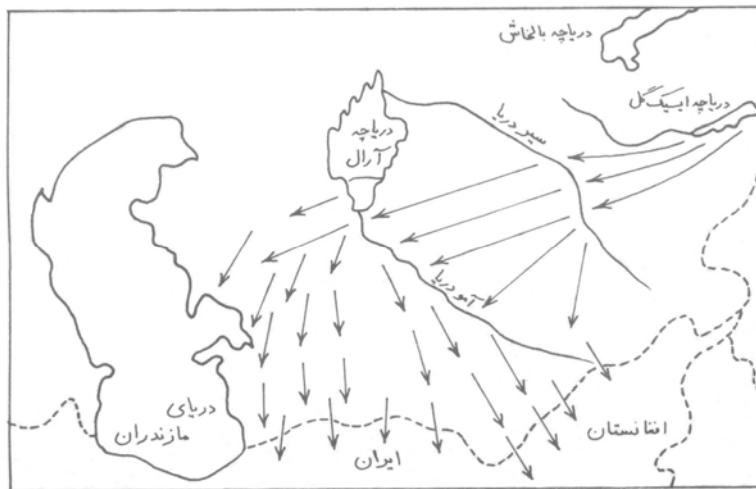
-
1. Ghuz
 2. Ghuz
 3. Oghuz
 4. Oghuz khan
 5. Guklan
 6. Yerli
 7. Al ali
 - 8- Ust yert



شکل (۲) نقشه موقعیت جغرافیایی پایتخت دولت سلجوقیان

در همان ایام قبایل تکه^۱ و یموت^۲ نیز به سمت شمال خراسان کوچ کردند و این مهاجرت تا امضای قرارداد مرزی آخال بین ایران و روسیه در سال ۱۸۸۱ میلادی ادامه داشت (گلی، ۱۳۶۶: ص ۲۰). در هر صورت می‌توان تاریخ ترکمن‌ها را به سه دوره زیر تقسیم کرد: الف: دوره بیابان‌گردی. ب: دوره مهاجرت به ترکستان و ترکمن صحرا. ج: دوره مرزبندی رسمی بین کشورهای ایران و روسیه (کمالی و خانقاہ، ۱۳۷۴: ص ۴۴).

1. Teke
2. Yomut



شکل (۳) نقشه مسیر ورود اقوام ترکمن به ایران در طول تاریخ (کمالی، ۱۳۶۶: ص ۷۸)

در زمان شاه طهماسب اول (۹۸۴-۹۳۰ ه.ق) طوایف ترکمن آقلی^۱، گوگلان، ایمر^۲ و سالور^۳ که در کنار رود اترک ساکن بودند به گرگان آمدند و تابع صفویه شدند (ورهرام، ۱۳۸۵: ۱۰۸). در سال ۹۵۷ ه.ق فشار مأمورین مالیات سبب عصیان طوایف ترکمن شد و آنان به رهبری جوانی از طایفه آقلی شورش وسیعی را آغاز کردند. در زمان شاه عباس اول مهاجرت ترکمن‌ها به استرآباد شدت یافت. در این دوره با توجه به وسعت قلمرو سلسله صفویه تقریباً اکثر قبایل ترکمن در داخل سرحدات ایران بودند. در واقع در این دوره ترکمن‌ها به دلیل قرار داشتن در داخل مرزهای کشور مشکلات چندانی را برای دولت مرکزی در زمینه کوچ و عبور از مرزها پیش نمی‌آوردند. لیکن با توجه به دوری قلمرو ترکمن‌ها از مرکز آنها در این دوره هر از چند گاهی تحت تأثیر ظلم حکومت مرکزی به خصوص در زمینه اخذ مالیات دست به شورش‌هایی می‌زدند که در نهایت توسط حکومت صفوی سرکوب می‌شد (اعظمی راد، ۱۳۸۴: ۸۹). به دنبال تداوم این ناآرامی‌ها شاهان صفوی طوایف قاجار را که مقیم آذربایجان بودند به حدود گرگان کوچ دادند تا تفوق ترکمن‌ها را در شمال شرق کشور متزلزل سازند (شهرازی، ۱۳۶۹:

3. Aghli

3. Imer

4. Salor

ص ۶۲). در سال ۱۱۳۴ ه. ق به دنبال انقراض صفویان و به قدرت رسیدن محمود افغان، ترکمن‌ها از ضعف دولت مرکزی استفاده نموده و در مناطق سرسبز گرگان پیشروی کردند. روحیه صحرانشینی ترکمن‌ها از یک سو و سیاست‌های نابخردانه حکومت مرکزی از سوی دیگر باعث می‌گردید که بین ترکمن‌ها و حکومت مرکزی همیشه جنگ و درگیری وجود داشته باشد (کلته، ۱۳۷۵: ص ۲). در دوره نادرشاه افشار (قرن هجدهم میلادی) وی برای مطیع کردن عشاير شمال شرق به خیوه حمله کرد و آن را تصرف نمود. او ترکمن‌های تکه و یموت را به خراسان تبعید کرد و همچنین ترکمن‌های یموت را مجبور کرد به منطقه ساحلی استرآباد (گرگان) کوچ کنند. در نتیجه گروه بزرگی از ترکمن‌های یموت مجبور به مهاجرت به منطقه ساحلی دریای خزر و خلیج گرگان شدند و در آنجا دست به اعتراض و یورش زدند که باز سرکوب شد (عسگری خانقاہ و کمالی، ۱۳۷۴: ص ۴۸). در زمان قاجار نیز بیشتر ترکمن‌های ایران برای اینکه از فشار و زورگویی حکام قاجار در امان باشند به زندگی کوچ نشینی می‌پرداختند. جابجایی اجباری و همگانی قبایل که بازدارنده روندهای وحدت سیاسی و قومی گروههای به هم پیوسته بود، جایگاه مهمی در سیاست سلاطین داشت. از این رو کوچ دادن قبایل بخش جدایی‌ناپذیر سیاست مرکزمداری شاهان بود که بر پایه اصل تفرقه بینداز و حکومت کن قرار داشت و سیاستی بود برای دامن‌زنی بر تفاوت‌های قبیله‌ای برای واکنش در برابر وحدت گروههای قبیله‌ای (تروتیسکوی، ۱۳۵۸: ص ۱۴). بدین‌ترتیب جابجایی در روزگار قاجار اغلب متوجه قبایل مرزنشین به خصوص در نواحی شمال کشور بود که بر حسب میزان ستم حکومت مرکزی تابعیت کشور ایران و روسیه را تغییر می‌دادند (نیک‌خلق و نوری، ۱۳۸۹: ص ۴۳). لیکن نکته حائز اهمیت در این دوره از تاریخ ایران و تفاوت آن با دوره‌های گذشته پیدایش و قدرت گرفتن روسیه تزاری در شمال ایران و چشم داشت این کشور به توسعه ارضی به سمت جنوب بود. این امر موجب شد تا ایلات کوچ نشین ترکمن در شمال شرقی ایران در کانون توجه دولتهای ایران و روسیه قرار گیرد. در گذشته‌های نه چندان دور و تا زمان حکومت قاجار و در ادوار مختلف ترکمنستان بخشی از خاک ایران بوده است اما روس‌ها در طول تاریخ به این منطقه چشم دوخته بودند (بیگدلی، ۱۳۶۹: ص ۳۱۰). ترکمن‌ها در جستجوی سرزمین مناسبی بودند که دارای مراتع و آب فراوان باشد. برای رسیدن به چنین سرزمینی با گروههای دیگر می‌جنگیدند و در سراسر قرن نوزدهم میلادی محل خود را تغییر می‌دادند. این وضعیت همچنان ادامه داشت تا

اینکه دولت روسیه سعی بر سرکوبی آنان کرد و سرانجام در سال ۱۸۸۱ میلادی قواهی روسیه به فرماندهی زنگال اسکوبیف^۱ مقاومت ترکمن‌های تکه را در هم شکست. در سال ۱۸۸۵ تمام منطقه ترکمنستان در اختیار قشون روسیه قرار گرفت (عسگری خانقا، ۱۳۷۴: ص ۴۹). بدین ترتیب ترکمنستان به تسخیر روس‌ها درآمد. به دنبال ادعای مالکیت ایران بر سرزمین ترکمن‌هایی که تا نزدیکی گرگان و کردکوی و نواحی مجاور ساکن بودند، قرار شد که تعیین مرز با مذاکره مستقیم دو کشور انجام گیرد که این مذاکرات منجر به انعقاد قرارداد «آخال» در سال ۱۸۸۱ میلادی گردید. تعیین مرز بدون در نظر گیری تقسیم‌بندی‌های ناحیه‌ای انجام گرفت و لذا بیلاق عشاير ترکمن در روسیه و قشلاق آنها در ایران ماند و به همین جهت آنها هر ساله به حدود خاک‌های دو کشور کوچ می‌کردند. این مساله مشکلات عدیدهای را هم برای دو دولت همسایه و هم برای عشاير به وجود آورد. پس از مرزبندی، دولت روسیه با دادن تابعیت به ترکمن‌های یموت، آنها را از منطقه بین رودهای اترک و گرگان جدا کرد. این ترکمن‌ها پس از پذیرفتن تابعیت روسی فقط برای بیلاق و قشلاق به ایران می‌آمدند. در نتیجه مسئله مهمی که مالیات دادن به دو دولت بود برای آنها پیش آمد (کمالی، ۱۳۶۶: ص ۱۵۳). به عنوان نمونه مأمورین هر دو دولت از ترکمن‌ها مطالبه می‌کردند ولی ترکمن‌ها در فصل اخذ مالیات توسط مأمورین ایرانی به روسیه و در موعد اخذ مالیات توسط روس‌ها به ایران کوچ می‌کردند (کلت، ۱۳۷۵: ص ۴). به نظر «آیرونز» ساختار سیاسی ترکمن‌ها، ساختاری بود که با هرج و مرج منظم توضیح داده می‌شد. به عبارت دیگر فاقد دستگاه‌های نهایی قدرت بودند. به همین جهت ترکمن‌ها دارای نظام مالیاتی دقیقی نبودند. حکومت ایران و روس نیز هیچ گاه نتوانستند به طور مؤثری از آنها مالیات دریافت کنند (آیرونز، ۱۳۸۶: ص ۱۵۵). بر طبق قرارداد مرزی ۱۸۸۱ منعقد بین ایران و روسیه خط سرحدی در این قسمت رودخانه اترک تعیین شد. با وجود قرارداد مذبور افسران روسی با سربازان خود از رودخانه اترک عبور و از افراد قبیله یموت‌های ایرانی در گرگان باج مطالبه می‌کنند. کرزن در کتاب خود به خوبی به این نکته اشاره کرده است، وی می‌نویسد: «در شمال این رودخانه [اترک] ترکمن‌های یموت ساکن هستند که تابع دولت روس بوده و یموت‌های جنوب رودخانه جزء دولت ایران هستند، هر چند که نفرات بومی منطقه ایران عادت دارند که در پاره‌ای از فصول سال به آن طرف مرز بروند و بطبق قرارداد اجازه چردادن گله‌های خود را دارند. یموت‌های روس به کلی تابع دولت روس شده‌اند، خواه از حکومت تزاری

1.Skobbeleff

راضی باشند یا نباشند امکان شورش از آنها سلب شده است. اما یمومت‌های ایرانی که به تیره آتابای و جعفریای تقسیم می‌شوند به هیچ وجه رفتار آرامی نسبت به مقامات ایرانی ندارند و در سال‌های ۱۸۸۸-۹ میلادی بر علیه حکومت مرکزی طغیان کردند. شورش یمومت‌ها در فوریه ۱۸۸۸ شروع و تا مارس ۱۸۸۹ ادامه یافت و چنین تصور می‌شود که اگر علت اصلی آن بی‌لیاقتی و بدرفتاری مقامات ایرانی نبوده، دست کم ناشی از وضع پریشان اداری ایشان بوده است» (کرزن، ۱۳۴۹: ص ۲۶۰). بعد از انعقاد قرارداد ۱۸۸۱ (آخال) اگرچه ترکمن صحرا از نظر قوانین بین‌المللی عاملً تابع دولت ایران بود ولی ترکمن‌ها به علت اقدامات نسنجدیده حکومتی و همچنین به علت روحیه صحرانشینی خود، که همانا سرپیچی از هرگونه انقیاد می‌باشد، عاملً هیچ ارتباط حسن‌های با دولت مرکزی نداشتند. حکام قاجار نیز نه آن توان نظامی را داشتند که آرامش را به منطقه بازگردانند و نه از آن زیرکی برخوردار بودند که با اعمال سیاست‌های بخردانه آنان را مطیع خود نمایند. تسلطی که کشور روسیه بنا به فصل پنجم پیمان گلستان و فصل هشتم عهدنامه ترکمنچای بر دریای خزر به دست آورد، زمینه پیشرفت نفوذ آن دولت را در ولایت‌های ایران فراهم ساخت (سایکس، ۱۳۶۶: ص ۱۳۸). سستی و ناتوانی دولت، دستاندازی ترکمنان منطقه گرگان به شهرهای اطراف و تحریکات روس‌ها در میان جماعات ترکمن، همگی عوامل افزایش نفوذ روسیه در ناحیه جنوبی دریای خزر بود (حقیقت، ۱۳۸۱: ص ۳۲۳). در این دوره شاهد نفوذ بسیار ضعیف حکومت مرکزی بر ایلات ترکمن هستیم به گونه‌ای که در عمل ترکمن‌ها در منطقه خود به هر نوع نافرمانی و شورشی دست می‌زنند. در این میان ترکمن‌های ناراضی از دولت روسیه، آزادانه از مرز عبور کرده و خود را به ترکمن صحرا می‌رسانند. این قبایل به روستاهای غیرترکمن حمله کرده و روستاییان را غارت می‌کردند. در نتیجه تسلط دولت مرکزی بر منطقه بسیار ضعیف و عبور و مرور از مناطق مرزی خارج از کنترل دولت ایران انجام شد. همین امر فرصت را برای دخالت روسیه تزاری به بهانه فراهم کردن امنیت و سرکوب شورشیان ترکمن در نواحی جنوبی مرزهای خود فراهم می‌کرد. به این بهانه روسیه قصد تصرف مناطق بیشتری از ایران را در سر می‌پروراند.

نتیجه‌گیری

نگاهی به تاریخ ایران این نکته را روشن می‌کند که بدون مطالعه تاریخ اقوام، ایلات و عشایر به درستی نمی‌توان تاریخ ایران را شناخت. در ادوار مختلف تاریخی که یکی از ایلات نیرومندتر از دیگران بوده، قدرت سیاسی را تسخیر کرده است. ایلات به علت آمادگی دائمی

منابع و مأخذ

۱. آیرونز، ویلیام، (۱۳۸۶) *ترکمن‌های یموت: مطالعه سازمان اجتماعی یک جمیعت ترک زبان در آسیای مرکزی*، ترجمه محمدامین کنعانی و علیرضا حسن‌زاده، انتشارات سازمان میراث فرهنگی و هنری.
۲. آیرونز، ویلیام، (۱۳۶۲) *کوچ‌نشینی به مثابه راهی برای سازگاری سیاسی*، مجموعه مقالات ایلات و عشایر، انتشارات آگاه.
۳. احمدی، حمید، (۱۳۸۹) *قومیت و قوم‌گرایی در ایران: افسانه و واقعیت*، نشری.
۴. اسکندری، حسین، (۱۳۸۸) *نقش انگلستان در شکل‌گیری مرزهای شرقی ایران*، مجموعه سخنرانی‌ها، میزگرد و مقالات، انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
۵. افضلی، رسول، (۱۳۸۶) *دولت مدرن در ایران*، انتشارات دانشگاه مفید.
۶. اعظمی‌راد، گند، (۱۳۸۴) *مقدمه‌ای بر پیشینه تاریخی ترکمن‌ها*، انتشارات گنبد در.
۷. اکبری، علی و میزبان، مهدی، (۱۳۸۳) *درآمدی بر شناخت ویژگی‌های جمیعت و جوامع عشایری ایران*، فصلنامه مطالعات ملی، سال پنجم، شماره ۱.
۸. امان‌اللهی بهاروند، سکندر، (۱۳۸۳) *زواں کوچ‌نشینی در ایران: یک‌جانشینی ایلات و عشایر*، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۱۷، ص ۱۸۴-۱۵۵.
۹. ایری، مایسا، (۱۳۸۴) *سیری در تاریخ ترکمن*، انتشارات مختومقلی
۱۰. بیگدلی، محمدرضا، (۱۳۶۹) *ترکمن‌های ایران*، انتشارات پاسارگاد.
۱۱. تروتیسکوی، (۱۳۵۸) *نقش قبیله‌های اسکان‌یافته و کوچ‌نشین ایران در دوران نوین*، ترجمه سیروس ایزدی، نشر بیگوند.
۱۲. حافظنیا، محمدرضا، (۱۳۸۸) *جغرافیای سیاسی ایران*، انتشارات سمت.
۱۳. حافظنیا، محمدرضا، (۱۳۸۵) *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*، انتشارات پاپلی.
۱۴. حقیقت، عبدالرفیع، (۱۳۸۱) *تاریخ روابط خارجی ایران*، انتشارات قومس.
۱۵. ذبیحی، مسیح، (۱۳۶۳) *تفصیل احوال تراکم در گرگان نامه*، نشر بابک.
۱۶. زرقانی، سیدهادی، (۱۳۸۶) *عوامل موثر در امنیت مرزی با تاکید بر مرز شرقی ایران و افغانستان*، فصلنامه ژئوپلیتیک، ص ۱۹۹-۱۶۶.
۱۷. سارلی، اراز محمد، (۱۳۸۴) *تاریخ ترکمنستان (جلد اول)*، انتشارات وزارت امور خارجه.

۱۸. سایکس، سرپرسی، (۱۳۶۳) *۵۰ هزار مایل در ایران*، ترجمه حسین سعادت‌نوری، انتشارات لوحه.
۱۹. شهبازی، عبدالله، (۱۳۶۹) *مقدمه‌ای بر شناخت ایلات و عشایر*، نشر نی.
۲۰. عسکری خانقاہ، (۱۳۷۴) *ایرانیان ترکمن : پژوهشی در مردم‌شناسی و جمعیت‌شناسی*، نشر اساطیر.
۲۱. عسگری خانقاہ، اصغر و کمالی، محمد شریف، (۱۳۷۴) *ایرانیان و ترکمن*، نشر اساطیر.
۲۲. علیزاده، محمدعلی، (۱۳۸۵) *تأثیرات اقتصادی نظام سرمایه‌داری غرب بر نظام ایلی - عشیره‌ای ایران*، از عصر قاجار تا پایان دوره پهلوی اول، فصل‌نامه بررسی نوین تاریخی، شماره دوم.
۲۳. فوران، جان، (۱۳۸۵) *مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران: از سال ۱۵۰۰ میلادی مطابق با ۸۷۹ شمسی تا انقلاب*، ترجمه احمد تدین، انتشارات رسا.
۲۴. کرزن، جرج.ن، (۱۳۴۹) *ایران و قضیه ایران*، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۵. کلت، ابراهیم، (۱۳۷۵) *مقدمه‌ای بر شناخت ایلات و عشایر ترکمن*، انتشارات حاجی‌طلایی.
۲۶. کمالی، شریف، (۱۳۶۶) *مجموعه مقالات مردم‌شناسی*، انتشارات مرکز مردم‌شناسی و سازمان میراث فرهنگی کشور.
۲۷. کیاوند، عزیز، (۱۳۶۸) *حکومت، سیاست و عشایر*، انتشارات عشاپیری، به کوشش واحد تحقیقات و مطالعات شورای عالی عشاپیر ایران.
۲۸. گلی، امین، (۱۳۶۶) *سیری در تاریخ سیاسی - اجتماعی ترکمن‌ها*، نشرعلم.
۲۹. میرحیدر، دره، (۱۳۸۹) *مبانی جغرافیای سیاسی*، انتشارات سمت.
۳۰. میرحیدر، دره، (۱۳۵۶) *مرزهای ایران در دوران تاریخ ایران*، انتشارات شورای عالی.
۳۱. مینایی، مهدی، (۱۳۸۶) *مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی ایران*، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۳۲. نیک خلق، علی اکبر و نوری، عسگر، (۱۳۸۹) *زمینه جامعه شناسی عشاپیر ایران*، انتشارات چاپخش.

۳۳. ورهرام، غلامرضا، (۱۳۸۵) نظام سیاسی و سازمان های اجتماعی ایران در عصر قاجار، نشر معین.

Beck, L, (1990) *Tribes and State in Nineteenth and Twentieth Century Iran*, Berkeley University of California Press.

Dikshit, R, (1995) *Political Geography, New Delhi*, Tata Mc Grow – Hill.

Glassner, M, (1993) *Political Geography*, New York, John Wiley and Sons.